

ارم سارا



راهنمای بازی



سینما توگراف



داستان بازی

شاه‌بابا به تازگی به همراه میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی از فرنگ برگشته و با خودش یک دستگاه سینماتوگراف سوغات آورده است؛ به میمنت این کار بزرگ همه‌ی درباریان را دعوت کرده تا تشریف بیاورند و شاهد این پدیده‌ی شگرف عصر جدید باشند. اما سالن کوچک است و جای این همه مشتاق را ندارد؛ طبق معمول درباری‌ها به جان هم می‌افتند و هر کس می‌کوشد به هر کلکی شده جایی برای خودش دست و پا کند. برای همین میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی دم در سالن می‌ایستد و هر بار صف پنج نفر می‌شود، دو نفر اول را به سالن راه می‌دهد و آخرین نفر را به درب خروج هدایت می‌کند. بازیکنی که بیشترین تعداد افراد خودش را وارد سالن کند، برنده است.



اجزای بازی



✓ ۴۸ کارت در ۴ رنگ (هر رنگ ۱۲ کارت)

✓ ۴ کارت راهنما

✓ سالن سینما (درب جعبه)

✓ درب خروج (کفی جعبه)

آماده‌سازی بازی

- هر بازیکن ۱۲ کارت یک رنگ را برمی‌دارد، آن‌ها را بُر می‌زنند، ۴ کارت را در دستش می‌گیرد و ۸ کارت باقیمانده را، بدون اینکه به آن‌ها نگاه کند، در یک دسته به پشت جلوی خود می‌گذارد.
(در صورتی که تعداد بازیکن‌ها کمتر از ۴ نفر است، کارت‌های اضافه را کنار بگذارید).
- درب (ورودی سینما توگراف) و کفی (درب خروج) جعبه را طوری وسط بگذارید که بین آن‌ها جا برای ۵ کارت وجود داشته باشد. به فضای بین این دو، سالن انتظار می‌گوییم.
- قبل از شروع بازی بخش قابلیت‌های کارت‌ها (صفحه ۸) را خوب بخوانید و نگاهی هم به کارت راهنما بیندازید.

روش بازی

بازیکنی که اخیراً به یک کاخ موزه رفته، بازی را شروع می‌کند و بقیه در جهت حرکت عقربه‌های ساعت به نوبت بازی می‌کنند.

هر بازیکن در نوبتش ۵ کار زیر را به ترتیب انجام می‌دهد:

۱. بازی کردن یک کارت
۲. انجام قابلیت کارت بازی شده
۳. انجام قابلیت تکراری کارت‌های داخل صف
۴. بررسی تعداد کارت‌های صف انتظار
۵. کشیدن یک کارت از دسته کارت‌های جلوی خودش

۱. بازی کردن یک کارت

هر بازیکن در اول نوبتش یک کارت از دستش انتخاب می‌کند و آن را به رو، در آخر صف انتظار قرار می‌دهد (بجز در مورد کارت حکیم). اگر هیچ کارتی در صف انتظار نباشد، کارت بازی شده یکر است می‌رود جلوی درب سینما توگراف می‌ایستد.



سالن انتظار:

سالن انتظار جایی است بین درب و کفی جعبه که کارتها به رو در آن قرار می‌گیرند و صف انتظار را تشکیل می‌دهند. هر کارتی که بازی می‌شود، ابتدا به آخر صف می‌رود. صف انتظار هیچ‌وقت نباید بیش‌تر از ۵ کارت باشد. هر بار که فضای بین کارتها به هر دلیل خالی شود، کارتها با حفظ ترتیب به سمت سینما جلو می‌روند و فضاهای خالی را پر می‌کنند.

مثال ۱: بازیکن قرمز یک کارت ملیجک بازی می‌کند. ابتدا باید در آخر صف قرار بگیرد.


۲. انجام قابلیت کارت بازی شده

در این مرحله قابلیت کارت، در صورت امکان، انجام می‌شود.

مثال ۲: بازیکن قرمز با استفاده از قابلیت ملیجک از شازده جلو می‌افتد و او را به آخر صف انتظار می‌راند.



۳. انجام قابلیت تکراری کارتهای داخل صف (علامت تکرار)

سه کارت دارای این علامت  هستند. کارتهایی که این علامت را دارند در نوبت همهی بازیکنان قابلیتشان اجرا می‌شود (البته به شرطی که در همان نوبت بازی نشده باشد). قابلیت‌های تکراری به ترتیب از اول صف، یعنی از کارتی که به درب ورود به سینما نزدیک‌ترند، انجام می‌شوند.

مثال ۳ : در اینجا اول جلداد نفر دوم جلوی خود، یعنی سفیر را که قدرتش از جلداد کمتر است، از صف بیرون می‌اندازد. قابلیت ملیجک اجرا نمی‌شود چون در همین نوبت بازی شده است.



نکته : اگر در یک نوبت چند نفر از سالن انتظار بیرون بروند، ترتیب قرار گرفتنشان در قسمت درب خروج را بازیکنی انتخاب می‌کند که نوبتش است.

۴. بررسی تعداد کارتهای صف انتظار

بعد از انجام قابلیت‌های کارتهای، تعداد افراد حاضر در صف شمرده می‌شود. اگر تعداد آن‌ها کمتر از ۵ نفر باشد، هیچ اتفاقی نمی‌افتد و مرحله‌ی ۵ (کنشیدن کارت) انجام می‌شود. اما اگر تعداد کارتها به ۵ برسد، درب سینما باز می‌شود و دو نفر اول وارد می‌شوند. نفر آخر هم با احترام به درب خروج هدایت می‌شود.

- دو کارت اول صف به پشت، طوری که تصویر آن‌ها معلوم نباشد، داخل درب جعبه (سینما توگراف) قرار می‌گیرند.
- آخرین نفر صف بیرون انداخته می‌شود و کارت آن به رو در کفی جعبه (درب خروج) قرار می‌گیرد.

مثال ۴: بعد از انجام قابلیت تمام کارتها، ۵ کارت در صف باقی مانده است. صدر اعظم و مهدعلیا وارد سینما می‌شوند و شازده که ته صف مانده است، به درب خروج هدایت می‌شود.



۵. کشیدن کارت

در آخر بازیکن یک کارت از روی دسته کارت‌های خودش برمی‌دارد و در دستش قرار می‌دهد. با این کار نوبت او تمام می‌شود و نوبت به نفر بعد می‌رسد. اگر کارت‌ها تمام شده باشند، این مرحله حذف می‌شود.

پایان بازی

هنگامی که بازیکنان همه کارت‌های خود را بازی کنند و دیگر هیچ کارتی نداشته باشند، بازی به پایان می‌رسد و برنده کسی است که تعداد بیشتری از کارت‌های رنگ خود را به سینما برده باشد. صورت تساوی، امتیاز کارت‌ها با استفاده از جدول کارت راهنمایی محاسبه می‌شود و برنده کسی است که جمع امتیاز کارت‌هایی که به سینما برده از بقیه بیشتر باشد.



قابلیت کارت‌های بازی

عدد بالای کارت‌ها نشان‌دهنده‌ی قدرت کارت است.

۱۲ : شاه‌بابا



شاه‌بابا خودش را از همه بالاتر فرض می‌کند برای همین هر وقت وارد صف شود، یگراست می‌رود و جلوی همه می‌ایستد و از آنجا که دو پادشاه در یک اقلیم نگنجند، اگر شاه دیگری در صف انتظار باشد، شاه تازه رسیده او را بیرون می‌اندازد.

مثال ۵: شاه‌بابای قرمز که تازه وارد صف شده، شاه سبز را از صف بیرون می‌کند و خودش می‌رود جای او را در جلوی صف انتظار می‌گیرد.





جناب صدر اعظم که زورش به همه نمی‌رسد، دو دسته از ضعیف‌ترین درباری‌ها را که قدرتشان کمتر از خودش باشد، انتخاب می‌کند و آن‌ها را با همان ترتیب به آخر صف انتظار می‌فرستد.

مثال ۶:

ضعیف‌ترین کارتهای داخل صف شماره‌های ۳ و ۴ هستند؛

پس صدر اعظم سبز که وارد صف می‌شود، سفیر قرمز و دو رییس نظمیه‌ی زرد و آبی را به آخر صف می‌فرستد و خودش پشت سر ملیجک زرد قرار می‌گیرد. سفیر و دو رییس نظمیه به همان ترتیبی که در صف بودند می‌ایستند. یعنی پشت سر صدر اعظم اول رییس نظمیه آبی، بعد رییس نظمیه زرد و بعد از او سفیر قرار می‌گیرند.



جلاد قُلتشَن از پشت سرِ کسی که جلویِش ایستاده آنقدر به نفر دوم جلوی خودش چشم‌غره می‌رود که اگر ضعیف‌تر از جلاد باشد، بیچاره از ترس سرش را پایین می‌اندازد و از صف انتظار بیرون می‌رود. جلاد هم از فرصت استفاده کرده و می‌پرد جای او را می‌گیرد.

قدرت نفر اول جلوی جلاد مهم نیست و حتی اگر از او قوی‌تر باشد، جلاد می‌تواند از روی او بپرد و جای نفر دوم را بگیرد.



قابلیت جلاد تکراری است؛ بنابراین در نوبت هریک از بازیکنان تکرار می‌شود؛ البته در هر نوبت فقط یکبار، آن هم در صورت امکان.



مثال ۷: جلد زرد با چشم‌غره زهره‌ی سفیر قرمز را آب می‌کند و بعد از بیرون رفتن او از صف جایش را می‌گیرد. توجه داشته باشید که نفر جلویی جلد جناب صدر اعظم و قوی‌تر از جلد است، اما جلد از روی او می‌پرد.



مثال ۸: نفر دوم جلد زرد جناب شاه بابا سبز است؛ بنابراین جلد جرأت نمی‌کند به او چشم‌غره برود و در نتیجه همان جا، سر جای خودش، می‌ایستد.





سرکار خانم ملکه هم که زورش فقط به ضعیفترین فرد می‌رسد، با ورود به صف او را بیرون می‌اندازد و خودش جایش را می‌گیرد. اگر از آن شخصیت دو کارت در صف باشد، خود سرکار علیه ملکه انتخاب می‌کند که جای کدام را بگیرد.

مثال ۹: ملکه زرد یکی از دو دلقک آبی یا سبز را، به انتخاب خودش، بیرون می‌کند و جای او می‌ایستد.





ملیجک که کاری جز مسخره‌بازی و
لودگی ندارد، هر بار نفر جلویی
خودش را، البته به شرط اینکه از
خودش ضعیف‌تر باشد، فریب
می‌دهد و از او جلو می‌زند.
او هم مجبور است برود آخر صف
بایستد.



قابلیت ملیجک هم تکراری است و در
نوبت تک تک بازیکنان اجرا می‌شود.



۷: شازده



اگر کارت قوی‌تری از شماره‌ی ۷ بخواهد شازده را بیرون بیاورد، این موجود لوس و نازک‌نارنجی آنچنان قشقرقی به پا می‌کند که آن فرد قوی‌تر از ترس اینکه شری دامنش را بگیرد، خودش از صف بیرون می‌رود و شازده با خیال راحت سر جایش می‌ایستد.



قابلیت شازده هم در هر دور به قوت خودش باقیست.

مثال ۱۰: جلد سبز به شازده‌ی زرد که نفر دوم جلوی اوست چشم‌غره‌ای می‌رود اما شازده چنان داد و بیدادی راه می‌اندازد که جلد خودش سرش را پایین می‌اندازد و از صف بیرون می‌رود.





جناب مالیه‌چی فقط با عدد و رقم سر و کار دارد؛ پس وقتی وارد صف می‌شود بسته به این که آخرین کارت فرد است یا زوج، بدون توجه به قدرت کارت‌ها، از تمام کارت‌هایی که زوج یا فرد هستند رد می‌شود و جلوی آن‌ها می‌ایستد؛ البته فقط از یک سری اعداد عبور می‌کند، زوج یا فرد. مثلاً اگر آخرین کارت فرد باشد از تمام کارت‌های فردی که بدون فاصله جلوی او هستند جلو زده، پشت اولین کارت زوج می‌ایستد؛ یا برعکس.

مثال ۱۱: در اینجا جناب مالیه‌چی از ملکه و شازده که هر دو عددشان فرد است، جلو می‌زند و پشت سر رئیس نظمیه قرار می‌گیرد.



دلک خودش هیچ قدرتی ندارد؛ پس وقتی می‌خواهد در صف قرار بگیرد، نقاب یکی از کارتهای دست بازیکن را به چهره می‌زند و قابلیت او را اجرا می‌کند.

برای این کار بازیکن باید کارتی را که می‌خواهد دلک نقش او را بازی کند به بقیه نشان دهد. بعد از انجام قابلیت کارت نشان داده شده و بعد از انجام تمام قابلیت‌های تکراری، دلک نقاب از چهره برمی‌دارد و خودش می‌شود.



مثال ۱۲: دلک نقش جلا را بازی می‌کند، ملکه را از صف بیرون می‌کند و جای او می‌نشیند. بعد از آن همان دلک است با قدرت ۵.





جناب رئیس نظمیه هم که عاشق نظم و ترتیب است، هر وقت وارد صف شود همه را به ترتیب عدد قدرتشان می‌چیند. اما از آنجا که کمی مگ تشریف دارند، همه را برعکس می‌چیند؛ یعنی ضعیف‌ترین کارت می‌رود جلوی درب سالن سینما توگراف و بقیه به ترتیب در صف انتظار چیده می‌شوند. اگر از قبل، از یک شخصیت، دو کارت یا بیشتر در صف باشند ترتیبشان به هم نمی‌خورد.

مثال ۱۳:

رییس نظمیهی سبز وارد صف می‌شود و بقیه را به این ترتیب از ضعیف به قوی جلوی سینما می‌چیند: مهدعلیا می‌رود اول صف (هرچند بلافاصله مجبور می‌شود صف را ترک کند- توضیح ۱: مهدعلیا را در ادامه بخوانید.)، رییس نظمیهی آبی و سبز بعد از او قرار می‌گیرند و جناب صدراعظم می‌رود آخر صف می‌ایستد.





جناب سفیر با هیچ کس کاری ندارد؛ فقط نگاه می‌کند ببیند داخل صف چه کسی از همه قوی‌تر است و راست می‌رود جلوی او می‌ایستد و مشغول گپ و گفتگو می‌شود. اگر از آن شخصیت دو یا چند کارت وجود داشته باشد، سفیر خودش انتخاب می‌کند جلوی کدامیک بایستد.

مثال ۱۴: در اینجا سفیر می‌رود جلوی

مدر اعظم می‌ایستد.





جناب حکیم‌باشی اصلاً حال و حوصله‌ی ایستادن در صف را ندارد؛ برای همین می‌رود کنار درب خروج می‌ایستد و آخرین کسی را که از سالن انتظار بیرون افتاده، متعلق به هر رنگی باشد، به سالن برمی‌گرداند و قابلیت آن کارت را انجام می‌دهد.

بعد قابلیت‌های تکراری را در صورت وجود داشتن در صف انجام می‌دهد و دست آخر خودش بیرون می‌رود و روی کارت‌های خارج شده قرار می‌گیرد.

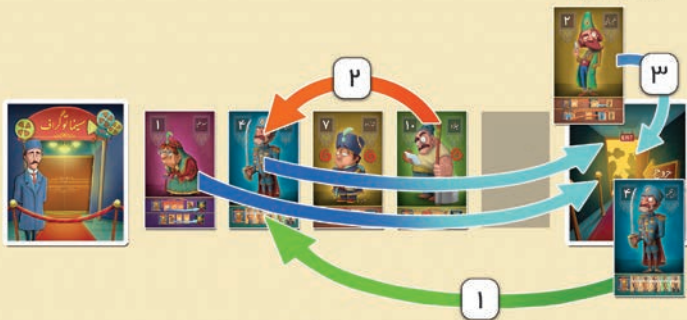
مثال ۱۵ : حکیم‌باشی زرد جناب رییس نظمیه‌ی آبی را به داخل

صف می‌آورد. رییس نظمیه کارت‌ها را به ترتیب شماره از ضعیف به قوی جلوی درب سینما ردیف می‌کند.

۱. سرکار خانم مهدعلیا بلافاصله بیرون می‌رود.

۲. بعد جلاّد با چشم‌غره رفتن خود رییس نظمیه را بیرون می‌کند.

۳. دست آخر جناب حکیم‌باشی روی کارت‌های خارج شده از صف قرار می‌گیرد.



اما ...

اما اگر آخرین کارت روی دسته کارت‌های اخراج شده یک حکیم باشی دیگر باشد، جناب حکیم‌باشی دست همپالکی‌اش را می‌گیرد و هر دو بدون دردرس و بدون اینکه در صف بایستند، یکر است وارد سالن سینما می‌شوند.

همانطور که می‌دانید، سرکار خانم مهدعلیا اهل توطئه و زیرآب زنی است. ایشان با ورود به صف، یکی از شخصیت‌ها را انتخاب می‌کند، زیرآبش را می‌زند، از صف بیرون می‌اندازدش و خودش جایش را می‌گیرد. اما از آنجا که ابراهیم خان عکاس‌باشی سخت

به مشروطه معتقد است و مخالف دخالت خانوادگی شاه در امور، به محض آنکه مهدعلیا در اول صف قرار بگیرد و با ایشان روبرو شود، جناب عکاس‌باشی با احترام مهدعلیا را به درب خروج هدایت می‌کند.

(به مثال‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۷ مراجعه کنید.)



مثال ۱۷:

بازیکن آبی با استفاده از کارت حکیم‌باشی خود، دلک را سبز را از روی کارت‌های اخراج شده برمی‌دارد و به داخل صف می‌آورد. بعد برای اجرای قابلیت دلک کارت مهدعلیا را که بین کارت‌های دستش است به بقیه بازیکنان نشان می‌دهد تا از قابلیت او استفاده کنند.

۱. دلک با نقاب مهدعلیا به رییس نظمی حمله می‌کند و او را از صف بیرون می‌اندازد.

۲. اما چون در اول صف قرار می‌گیرد، خودش هم از صف بیرون انداخته می‌شود.

۳. دست آخر هم حکیم‌باشی آبی روی کارت‌های اخراج شده قرار می‌گیرد.

